

فتنه و ایمان (۲)

• مکی یا مدنی بودن سوره عنکبوت؟ • سؤال از امیرالمؤمنین علیه السلام در امر فتنه و پاسخ آن حضرت از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله • دلیل مدنی بودن، آغاز این سوره است • اخبار غیبی قرآن از فتنه و ملاحم • فتنه ای که اصابت آن ویژه ستمگران نیست • فتنه خافضه و رافعه و بازده سرمایه گذارینها برای محو اسلام در طول تاریخ جز خسران نبوده • کلام شایان قبول شهرستانی در ملل و نحل • شدت هجوم مصائب بر امت هنگامی بوده که کرسی خلافت اسلامی از ولایت فقیه عاری گشت و تاویل «یلبسکم شیعاً» صورت عینی بخود گرفت • حدیثی شگفت انگیز در این باره از رسول الله صلی الله علیه و آله • کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه که پناه بخدا از فتنه نبرید بلکه از مضلات فتن پناه ببرد • دستور حکیمانه ای دیگر در امر فتنه • کلامی با ورثه انبیاء و خطباء و صاحبان قلم در ارتباط با قداست «نون والقلم».

گفتیم یکی دیگر از مستهای تغییرناپذیر الهی، سنت فتنه است که معنای گزیده آن عبارت بوده: از افکندن چیزی در گداختگی شدید و ذوب کننده که آن را از عنصرهای دخیل جدا سازد و هویتش را دگرگون نماید؛ اعم از آنکه عالی تر باشد یا دانی تر، و چون دعوی ایمان دعوی ارزشمندترین جوهر معنوی است صدق چنین دعوائی با محک فتنه و گدازه شدائد و محن روشن می گردد. و چاشنی بلاها است که استعداد انفجارش را فی سبیل الله آشکار می نماید و شعاع بردش را در میدان اخلاص و عمل می آزماید و مؤمن بالنده را از منافق لافنده ممتاز می کند و همین است معنای: «فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین»

در مکی یا مدنی بودن تمام یا بعضی از سوره عنکبوت اختلاف است. ظاهر کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه مدنی بودن تمام و لا اقل آیات اولیه آن است، سید رضی علیه الرحمه نقل می کند که مردی از جای خویش برخاست و بآن حضرت عرض کرد: از فتنه ما را خبر ده و آیا شما از فتنه، پرسشی از رسول الله صلی الله علیه و آله کرده اید؟ در پاسخ، امام علیه السلام فرمودند:

«لما انزل الله سبحانه قوله: (الم، احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون) علمت ان الفتنه لا تنزل بنا و رسول الله صلی الله علیه

وآله بین اظهارنا، فقلت: یا رسول الله: ما هذه الفتنة التي اخبرك الله بها؟ فقال: يا علي ان امتي سيفتنون من بعدى، فقلت يا رسول الله اوليس قد قلت لى يوم احد حيث استشهد من المسلمين وحيزت عنى الشهادة فتق ذلك على فقلت لى، ابشر، فان الشهادة من ورائك؟ فقال لى: ان ذلك لكذلك فكيف صبرك اذا؟ فقلت: يا رسول الله ليس هذا من مواطن الصبر ولكن من مواطن البشرى والشكر. وقال: يا على، ان القوم سيفتنون بعدى باموالهم ويمنون بدبتهم على رتبهم، ويمنون رحمته ويؤمنون سطوته، ويستحلون حرامه بالشبهات الكاذبة والاهواء الساهية فيستحلون الخمر بالنبيذ والسحت بالهدية والربا بالبيع فقلت: يا رسول الله بائ المنازل انزلهم عند ذلك؟ ام منزلة ردة ام بمنزلة فتنة؟ فقال بمنزلة فتنة»

(خطبه ۱۵۱ شرح النهج عده).

«هنگامی که خداوند سبحان این پیام خود: (الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا وهم لا يفتنون) را نازل فرمودند من قبلاً می دانستم: مادامی که رسول الله صلی الله علیه وآله در میان ما است، این فتنه بر ما فرود نمی آید. پس عرض کردم: یا رسول الله، این فتنه ای که از آن خداوند آگاهت فرموده، چیست؟ فرمودند: ای علی، پس از من اتمم دچار گزاره اختیار می شوند، عرض کردم: در روز جنگ احد که شماری از مسلمین جام شهادت نوشیدند و من بی نصیب شدم و این حرمان از شهادت بر من گران آمد، مگر نفرمودید: مؤذگانی، که شهادت در پی توهم هست؟ فرمودند: چرا همینطور است، در آن موقع، شکیبائی تو چگونه است؟ عرض کردم: یا رسول الله این موطن، موطن شکیبائی و مسأله برآورد صبر نیست، بلکه این موطن، موطن مؤذگانی و شکرگزاری است. فرمودند: یا علی پس از من بیدرنگ مردم در گزاره اختصار اموالشان می افتند و بر پروردگارشان منت می گذارند که دین دارند و معذک منتظر رحمت اویند و از سطوت و مکر او خود را ایمن می بینند و با نیرنگ و دروغ و هوسهای فریبا، حرامها را حلال و باطلها را حق می کنند و میگساری را بعنوان آشامیدنی مشروع، مشروع می سازند، به رشوه رنگ هدیه و به رباخواری عنوان بیع می دهند

گفتم: یا رسول الله در این موقع، ایشان در منزلت ارتدادند، یا در منزلت فتنه و سرگشتگی؟ فرمودند: در منزلت فتنه.

دلالت این بیان بر مدنی بودن اوائل سوره عنکبوت، انکارناپذیر است و علی ای حال سنت فتنه و ابتلاء مؤمنین بعد از رسول الله صلی الله علیه وآله از اخبار به غیب و ملاحم قرآنی است.

همانطور که در آغاز بعثت رسول الله صلی الله علیه وآله (هنگامی که عدد مسلمین در نهایت قلت و هیچگونه وسیله و تجهیزی نداشتند و علی الدوام شکنجه می شدند و از خانه و وطن به دیار غربت مهاجرت می کردند) از نبأهای عظیم قرآنی، این بوده که خداوند عز و جل، این دین حنیف را جاودانی فرموده و طبع ابدیت و خلود را بر آن نهاده است، وجهراً اعلان داشته که ذکر حکیم و قرآن عظیم را به یمن عنایت خویش حتماً و جزماً خواهد حفظ فرمود و این ضمانت را با موکدترین تعبیر بیان داشتند:

«انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون» (سوره حجر- آیه ۹) و فاش فرمودند که رسول الله صلی الله علیه وآله علی الدوام در طول دهر علی رؤس الاشهاد خواننده و داعی الی الله خواهد بود: «سنفرتك فلا تنسى» و «داعيا الی الله» خصوصاً به زبان قلم «علم بالقلم» چه آنچه را که زبان لحم صادر می کند عرضی است سیال و آنچه که از زبان قلم به عرصه می آید جوهری است لایزال، قلم، تاریخ آفرین است و هیچ سلاحی بر آن تراز قلم نیست، و قلم حق در اعصار متوالی بجنگ سلاحهای گوناگون رفت و پیروز شد.

همانگونه نیز از نبأهای عظیم قرآن مجید، انداز از وقوع در فتنه بوده که پناهی بیم می داده گاهی می فرموده: «احسب الناس.. وهم لا یفتنون» و گاهی می فرموده: «وانفقوا فتنة لاتصين الذین ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب»

(سوره انفال - آیه ۲۵).

یعنی بهر امید از فتنه ای که فقط به ستمکاران از شما اصابت نمی کند و بدانید که خداوند متعال شدیدالعقاب است، و ستم و تجاوز گروهی از شما به حدود الهی و نظام عدل اجتماعی، و سکوت دیگران، فتنه و گزاره های مصائب و شدائد

مسأله امامت

و از این فتنه عمیاء، شهرستانی در کتاب ملل و نحل، تعبیری رسا دارد او می گوید: «اعظم خلاف بین الأمة خلاف الإمامة اذ ماسل سيف في الاسلام على قاعدة دينة مثل ماسل على الإمامة في كل زمان وقد سهل الله تعالى ذلك في الصدر الاول...» (ج ۱ ص ۱۶): «بزرگترین اختلاف بین امت اسلام، اختلاف در مسأله امامت است، چه برای هیچ مبنای دینی شمشیری کشیده نشد آنچنانکه شمشیر برای مبنای امامت کشیده شد در حالی این مسأله در صدر اول، بفضل خداوند متعال به آسانی خاتمه یافت...»

وسوگمندانه دشمنان قسم خورده اسلام بدینوسیله نه فقط اقشار مسلمین را از هم جدا ساختند و شکاف عمیق بینشان انداختند بلکه علماء اسلام را که امتناء الله بر حلال و حرام، و حفاظ عقائد اسلام و کافل ایتم امتند از هم دیگر دور ساختند و روابط بین آنان را تیره و احیاناً قطع نمودند، و رنگ عربی و عجمی و ترکی و فارسی و هندی و غیره بر این وراثت بسمبر صلوات الله علیه زدند، و از تضاد رنگ مصنوعی، تضاد اجتماع و مواصلت و مرافقت آنان را بهره برداری کردند، و خصوصاً هنگامی که خلافت اسلامی از ولایت فقیه عاری گشت و اکثر امویون و عباسیون تهی از شرف فقاقت و تقوی بر مسند امتناء الله نشستند، تفرقه ها بیشتر گردید. و تاویل آیه کریمه: «أولیسکم شیعاً و یذیق بعضکم بأس بعض» (سوره اتمام آیه ۶۵) یعنی: «لباس تشقت و تفرقه در اندامتان کند و شکنجه از همدیگر را به شما بچشاند» صورت عینی و خارجی بخود گرفت.

طبرسنی علیه الرحمه در ذیل این آیه: «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم اولیسکم شیعاً...» می گوید چون این آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله برخاست و وضو گرفتند، سپس نمازی خواندند و آنگاه: «سأل الله سبحانه ان لا یبعث علی امته عذاباً من فوقهم ولا من تحت ارجلهم ولا یلبسهم شیعاً ولا یذیق بعضهم بأس بعض، فنزل جبرائیل علیه السلام فقال: یا محمد ان الله سمع مقاتلک وانه قد اجارهم من خصلتین ولم یجرهم من خصلتین: اجارهم من ان یبعث علیهم عذاباً من فوقهم او من تحت ارجلهم ولم یجرهم من الخصلتین الاخرین فقال صلی الله علیه وآله: یا جبرائیل

گمراه کننده را بر همه فرود می آورد و اصابت این فتنه ویژه متمگران و متجاوزان نیست، زیرا افراد انسان با همه کثرت، انسان واحدند و افعالشان از حیث عدد بسیار، ولی از لحاظ نوع، واحد، و باهم مؤتلف و منسوجند و بمثابته پیکری واحدند. قال تعالی: «بعضکم من بعض» (آل عمران آیه ۱۶۵) یعنی بعضی از شما نشأت گرفته از بعضی دیگرید و اعضای یک پیکرید.

و در اینصورت نزول فتنه و بیماری و درد بر عضوی از این پیکر، نزول بر مجموعه پیکر است، و همه اعضاء این پیکر مبتلا و بی قرار می شوند.

باری اینگونه خطابات آمیخته با عتاب (آنهم با مخاطبانی که آن همه فداکاری و ایثار و تفانی در عشق خداوند متعال ابراز داشته اند) طبعاً دلالت می نموده که این عظماء و متفانیان فی سبیل الله در معرض وقوع در لغزشگاه فتنه، و سقوط در کوره گداخته آزمایش و اختصارند و بزودی سیه روی شود آنکه در او غش باشد، با عطف توجه باینکه خداوند متعال متکرراً ابلاغ فرموده بودند که: «بان الله لم ینک مغیراً نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (سوره انفال آیه ۵۳)

و متأسفانه که «وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبه خافضه رافعه» فتنه ای واقع شد گمراه و گمراه کننده، خافض قومی و رافع قومی دیگر:

رگ است این آب شیرین و آب شور

بر غلائق می رود تا شیش میسور
و دشمنان اسلام از این فتنه برای استیصال اسلام بهره برداری کرده می کنند و برای شعله و رساختن آتش این فتنه عمیاء، قنایطیر مقنطره از طلا و نقره و دلار و تسلیحات و تجهیزات... لم یزل و لا یزال خرج کرده و می کنند که اگر فضل الهی نمی بوده و ضمانتی که بمقتضای عنایت خویش در حفظ کبان اسلام سپرده است نمی بود فاتحه اسلام خوانده می شده ولی همه وقت آتش افروخته آنان را خدای منان خاموش نموده و جز خسران بهره شان نگردیده است:

«ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم نکون علیهم حسرة ثم یغلبون، والذین کفروا الی جهنم یحشرون».

(سوره انفال آیه ۳۶).

ما بقاء امتی مع قتل بعضهم بعضاً؟ فقام وعاد الى الدعاء فقل: الم احسب الناس... فقال: لا بد فتنة تبلى بها الامة بعد نبیها لیبن الصادق من الكاذب...»

(ج ۴ ص ۳۱۵)

زبان تفرقه

از خداوند مسئلت کردند که عذاب (استیصال کننده ای که بر امم دیگر نازل می شده) از بالا و پائین بر امتش نفرستد و آنانرا لباس تفرقه و تشمت نپوشاند و زورگویی و تجاوز بهمدیگر را بآنها نچشانند؟ جبریل علیه السلام نازل شد عرض کرد: دعایت مسموع واقع شد و خداوند آنانرا از دو قسم عذاب یعنی از عذاب استیصال آسمانی و زمینی پناه داده ولی از دو قسم عذاب اخیر یعنی تفرقه و تجاوز بهم پناه نداده، رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: ای جبریل، با وقوع قتال در امت من چگونه باقی می ماند؟

پس بپاخاست مشغول دعا شدند که اوائل سوره عنکبوت نازل شد، این هنگام فرمودند: گزیری از فتنه و افروختگی ابتلاء و امتحان نیست تا مؤمن صادق بالنده از کاذب لافنده ممتاز شود. پس اصل سنت: «فتنه و ایمان» از قلم قضاء الهی گذشته و تغییر و تحویلی در آن راه ندارد و این فتنه و گدازه بلیات و مصائب است که نمونه های شکیبائی کفرشکن و استبداد و استعمار بر بادده می سازد و حتی با دعاء رسول الله صلی الله علیه وآله، خداوند متعال امت مرحومه را از اصل فتنه پناه نداد، و نباید هم از اصل فتنه پناه بخدا برد بلی از آثار گمراه کننده فتنه ها باید به خدا پناه برد چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «لابقولن احدکم: اللهم انی اعوذبک من الفتنة، لانه لیس احد الا وهو مشتمل علی فتنة، ولكن من استعاذ فلیستعد من مضلات الفتن فان الله سبحانه یقول: «واعلموا انما اموالکم واولادکم فتنة» ومعنی ذلك انه یختبرهم بالاموال والاولاد».

(حکمت ۹۳- شرح النهج عده):

«نباید هیچیک از شما بخداوند متعال از فتنه پناه ببرد زیرا کسی نیست که دچار فتنه نباشد، بلی کسی که می خواهد به

خدا پناه ببرد از آثار گمراه کننده فتنه به حضرت باری عزوجل پناه برد چه خداوند سبحان خود فرموده: بدانید اموال و اولادتان فتنه اند یعنی با گدازه محبت اموال و اولاد شما را می آزماید» و در حکمت اول برای حفظ از مضلات فتن دستور حکیمانه ای صادر می فرماید:

«کن فی الفتنة کابن الذبون لاظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب» یعنی: «در آشوبهای ایمان سوز همچون بچه شتر باش که گرده سواری ندارد تا سواری دهد و پستانی ندارد که دوشیده شود» باری بر علماء بزرگوار امت است که بپاخیزند و این خلعت شریف وراثتی که رسول الله صلی الله علیه وآله آنان را بآن زینت بخشیده و «ورثة الانبیاء علیهم السلام» گردیده اند حقش را اداء فرمایند و میثاق اتحاد «واعتصموا بحبل الله» تجدید فرمایند بگونه ای که «هم ید علی من سواهم» شوند، و بر خطیاء ارجمند است که وجهه خطابه را متوجه اتحاد بین همه اقشار مسلمین نمایند، و آثار شوم تفرقه را در طول بیش از ده قرن بجامعه مسلمین و اقشار امت آگهی دهند که با آگاهی امت عزیز و اقشار ارجمند یقیناً اعتصام به حبل الله وجود پیدا می کند و جملگی چون سلسله متصل الحلقات می شوند که اگر هر حلقه ای را حرکت دهند جمله سلسله بحرکت در می آیند.

نقش قلم

بر روزنامه نگاران متعهد و صاحب قلمان شرافتمند: صاحب قلمانی که بقداست و طهارت: «ن والقلم وما یسطرون» معتقدند، واجب است که در تحکیم این اتحاد از هیچگونه کوششی دریغ نفرمایند چنانکه در آغاز این مقاله گفتیم: قلم است که تاریخ آفرین است و تاریخ دیگری را بزباله دان می ریزد، و هیچ سلاح مدرنی از برائی آن نمی گاهد و نمی تواند هم بکاهد، قلم همیشه قدرتهای زورگویان را بوج و باطل کرده است این قلم تورات نویس موسی علیه السلام بوده که نیروی استعادی فرعون را به دریای نیستی غرق نمود، این قلم انجیل رقم زدن مسیح بوده که امپراطوری عظیمی را بوج نشان داد، این قلم قرآن نویس خاتم الانبیاء بوده که کتب خانه چند ملت بشت و جهانیان در مقابل آن بخاک افتادند، شما ای

بقیه در صفحه ۶۶

امانتداران قلم و آشنایان با مسئولیت قلم، خوب می دانید که در همه انقلابها از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب سوسیالیستی شوروی و مشروطیت ایران، و انقلاب کوبا... تا انقلاب اسلامی ایران، نقش قلم از هر نقشی قاطع تر و مؤثرتر بوده است. نقش قلم امام امت بوده که این انقلاب معنوی عظیم را در جهان پدید آورد، نقش قلم سید جمال الدین و یارانش بوده که بیداری چشمگیری به جهان اسلام بخشید، و امروز بحمد الله فخر عظیمی از فنیان امت یعنی برنادلان از پیرو جوان، مردان و زنان، بیدار شده و تجدید میثاق اتحاد و اعتصام به حیل الله تعالی را وجهه همت قرار داده اند که زندانهای عربستان سعودی و مصر و عراقی و اردن و فیلیپین... شاهد پاکبازی و بی باکی آنان در راه خداوند متعال است، و خدا را شکر که طائفه عظیمی از فقهاء امت و خطباء و صاحبان قلم کشورهای مختلف اسلامی نداء قرآن را لیک فرموده اند و با امام امت مدظلّه و فقیه عزیز جلیل القدر آیه الله منتظری و خطباء و نویسندگان این کشور انقلابی هم آهنگ شده اند و تار و پود وحدت بین مسلمانان را فراهم می آورند، افشار اقتند که لباب اسلام را حفظ می کنند نه امثال جلالة الملك و دلقک حسین اردنی و حسن و حسنی، اینها و امثال اینها مصیبتی عظیم برای اسلامند: «اتهم كانوا قوم سوء فاسقین».

ادامه دارد

مشکلات مسلمین بی تفاوت باشیم، از آنچه مایه اختلاف و تفرقه است نبرهیزیم، در جماعت مسلمانان شرکت نکنیم، برای خرید و فروش کالاهای دشمنان سرو پا بشکنیم و خلاصه رفتارمان دور از اسلام باشد، هم دل امامان را به درد آورده ایم و هم غضب خدای را -والعیاذ بالله- برای خود خریده ایم و در نتیجه مردم را از انقلاب و تشیع دور ساخته ایم و این گناهی است نابخشودنی.

آری! ما اگر با اخلاق پسندیده و رفتار اسلامی خود، یا مسلمین برخورد کنیم، نظر آنها را نه تنها بخود مان که به امامان و رهبرانمان جلب می کنیم و این همان دعوت صامتانه ای است که مورد نظر امام صادق علیه السلام است. ولی اگر خدای نخواستہ بوظایف و اصالت ها و تعهد انقلابی خویش توجه نداشته باشیم، مردم نه یک فرد که یک نظام اسلامی را زیر سؤال می برند، چون ما الگو و نمونه ای از این نظام نوپای اسلامی هستیم.

حجاج محترم باید کوشش کنند در کوچه و بازار و مراسم و موافق و حتی در خانه ها برخوردی اسلامی و متین داشته باشند و در مواقعی که نماز بر پا می شود، حتماً در جماعت مسلمین شرکت و هنگام خرید در بازار فراموش نکنند که چشم ها به آنان دوخته شده و مبادا کاری کنند که دل صاحب شریعت را بدرد آورند.

- ۱- مرقع الاخبار - ج ۲ - ص ۹۰
- ۲- فروع کافی - ج ۴ - ص ۴۶۶
- ۳- علل الشرایع - ص ۴۱۵
- ۴- مصباح الشریعه - ص ۱۷-۱۶
- ۵- فروع کافی - ج ۴ - ص ۲۷۲
- ۶- الامام الصادق - ج ۲ - ص ۳۱۹

بتوانند فرائض و مناسک حجشان را برگزار نمایند، با آن امکانات وسیعی که در اختیار دارد، از انجام این تسهیلات سرباز می زند، و در نتیجه انجام هر یک از این فرائض عبادی حج یک مشغله ذهنی برای حاجی به شمار می رود بطوری که به او اجازه فکر کردن بدیگر مسائل را نمی دهد. مثلاً طواف بعد از بازگشت از «منی» یکی از مشکلات حاجی بحساب می آید یا رمی جمرات در آن ازدحام عجیب بطوری که هر کس باید مواظب جان خویش باشد که زیر دست و پا له نشود و وقتی هم از این مراسم فارغ می گردد تهیه سوغات و خرید اوقات فراغت بعدی او را بخود مشغول می سازد و بدین ترتیب در تمام این مذلت یا در دلهره و اضطراب انجام درست مناسک و اعمال حج بسر می برد و یا در حال تهیه اجناسی است که در کشورش با آن قیمت نمی تواند بدست بیاورد و دیگر فرصتی برای اندیشیدن و تفکر درباره مسائل و مشکلات دیگر مسلمانان هم کیش پیدا نمی نماید، و من فکر نمی کنم این وضع اتفاقی و عادی باشد، بلکه برنامه ای است که دولت عربستان حساب شده آن را طرح و اجرایی نماید.

بیمارستانهای جده و مکه حدود یک هفته بتأخیر افتاد اما خوشبختانه در این حادثه مرگ و میری نداشتیم.

مطالبی که قبلاً درباره فرود گاه جده گفته شد، هم چنان می بایست رعایت گردد. از سوی دیگر بعلمت حسگی سفر و مشقت اعمال، امکان دارد صبر و حوصله حجاج همانند روز ورود به جده نباشد لذا لازم است که ضمن حفظ خونسردی کامل، در این روزهای آخر تحمل و شکیبایی خود را از دست ندهید، و با رعایت نظم و نظافت در محیط فرود گاه، کماکان بهداشت خود را تأمین نمایید. چرا که عزیزان چشم برای شما در وطن، وقتی شما را با سلامتی در آغوش می گیرند، خوشحالیشان چند برابر میشود.

به دعا از خدای کعبه می خواهیم که همه زائران عزیز ایرانی، صحیح و سالم و با نشاط، به خانه های خود باز گردند، و همچون گذشته، حضور دائمی خود را در صحنه های انقلاب تداوم بخشند. انشاء الله...

حجستان مقبول، سعیتان مشکور، امامتان سلامت، مکتبتان پیروز، و دشمنانان نابود باد.

- ۱- رمز الصحه
- ۲- فصول المهمه
- ۳- رمز الصحه
- ۴-۵-۶- فصول المهمه تألیف مرحوم شیخ حر عاملی